

یک بار برای مداوا به پزشکی مراجعه کردیم که بسیار اهل مطالعه بود. او به ما سفارش کرد فقط روزنامه ایران بخوانیم، چون در میان روزنامه‌های دیگر حرفی برای گفتن دارد. خودش هم از خواننده‌های پروپاقرص شما بود. خلاصه پیشنهاد او همانا و جذب شدن ما به روزنامه شما همان

آستانه سی و یک سالگی، گفتن از عزیزانی که سال‌های طولانی با ما همراه بوده‌اند، حکم نمره قبولی را دارد. خانم فروتن بانوی ۸۲ ساله‌ای است که از ۲۰ سال قبل، روزش را با «ایران» شروع می‌کند. خواندن اخبار و در جریان مسائل روز قرار گرفتن را از واجبات زندگی‌اش می‌داند و خانواده «ایران» این سعادت را دارد که در همه این سال‌ها همراه او بوده است. در حظ گفت‌وگویی صمیمی با این مادر شهید با ما همراه باشید.

◀ شما از مشترکین قدیمی روزنامه ایران هستید، این همراهی چندساله شده است؟
باید ۲۰ سال باشد که من و دخترم «الهه» مشترک روزنامه ایران هستیم.

◀ کدام صفحات روزنامه را بیشتر می‌خوانید؟
من همه صفحات را می‌خوانم. از کلمه ایران در صفحه اول تا شماره کد پستی روزنامه در صفحه آخر، اما بخش‌های مهم آن را حتی چندبار هم می‌خوانم.

◀ شما چند ساله هستید؟
با اجازه شما ۱۴ ساله هستم... از شوخی گذشته متولد ۲۳ شهریور سال ۱۳۲۱ هستم و در حال حاضر ۸۲ سال دارم.

◀ اصلاً چرا روزنامه می‌خوانید؟
روزنامه را مطالعه می‌کنم تا راجع به زندگی، دولت، حکومت و مردم اطلاعات پیدا کنم. اینکه بدانم در دنیا و در کشور چه می‌گذرد، برایم جذاب است. یکی از جنبه‌های خوب روزنامه خواندن این است که اطلاعات عمومی آدم بالا می‌رود. نمی‌شود کورکورانه زندگی کرد، بالاخره باید مطلع باشیم و مطالعه روزمره داشته باشیم. دخترم الهه هم هر روز روزنامه شما را می‌خواند.

◀ ایشان از چه سالی با ما همراه شد؟
از همان ۲۰ سال پیش. اول الهه مشترک شما بود و من کنار او روزنامه ایران را خواندم، ولی حالا که چند وقتی است بی‌هوا مریض شد و کارش به جراحی کشیده کمتری تواند روزنامه را ورق بزند برای همین من برایش می‌خوانم.

◀ روزنامه دیگری را هم می‌خوانید؟
نه من و الهه فقط مشتری ثابت «ایران» هستیم.

◀ چرا این روزنامه را انتخاب کردید؟
یک بار برای مداوا به پزشکی مراجعه کردیم که بسیار اهل مطالعه بود. او به ما سفارش کرد فقط روزنامه ایران بخوانیم، چون در میان روزنامه‌های دیگر حرفی برای گفتن دارد. خودش هم از خواننده‌های پروپاقرص شما بود. خلاصه پیشنهاد او همانا و جذب شدن ما به روزنامه شما همان.

◀ الهه خانم کدام صفحه روزنامه را بیشتر دوست دارد؟
الهه بیشتر صفحه حوادث را می‌خواند، البته صفحه اجتماعی و گزارش هم برایش جذاب است.

◀ روزنامه ایران حتی برای لحظه‌ای کمک کرده فراق فرزند شهیدتان را تاب بیاورید؟
پسر امیر ابراهیم میرزا حسن فروتنی جانباز جنگ بود و سال ۱۳۸۵ در خانه خودمان شهید شد. ۲۰ سال داشت که

داوطلبانه به سربازی رفت. با اینکه پدرش بیماری ریوی داشت و تک‌پسر هم بود و می‌توانست معاف شود، اما این کار را نکرد. می‌گفت مملکت الان به من نیاز دارد و به سرباز بودنم احترام می‌گذارم. ۳۰ ماه هم خدمت کرد. ترکش خورد و از ناحیه سر، کمر و شکم مجروح شد. به خاطر ترکش‌های داخل سرش دچار تشنج می‌شد. ۶ ماه یک‌بار برایش اسکن و ام‌آر‌آی انجام می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۷۳ پزشکان تشخیص دادند ضایعه ریز داخل سرش خیلی بزرگ شده و همان هم او را فلج کرد. آن اوایل به بنیاد شهید رجوع کردیم، ولی به ما گفتند بودجه نداریم و نمی‌توانیم کاری برای پسران بکنیم. حرف آنها خیلی ناراحت‌کننده بود. مجبور شدیم خانهای را که پدرش برای او خریده بود، بفروشیم تا هزینه عمل جراحی مغز را تهیه کنیم. تشنج‌های او ادامه داشت تا اینکه در نهایت سال ۸۵ به شهادت رسید.

دخترم! می‌دانم جواب این سؤال را خیلی طولانی دادم، ولی روزنامه ایران باعث شد بعد از مدت‌ها کلی حرف درمورد پسرم بزنم و سبک بشوم. من روزهای زیادی خودم را با خواندن صفحات روزنامه مشغول می‌کنم تا برای چند ساعت هم شده ذهنم از غم و غصه‌هایم دور شود.

ستون همدلی

این همان رسالتی است که روزنامه ایران از سال‌ها قبل خود را بر آن مکلف دانسته است. ستون «سلام ایران» با هدف نوشتن از مشکلات مردم و نشستن پای درد دل آنها به راه افتاد. ستونی که «مختار حداد» سردبیر فعلی روزنامه الوفاق از سال ۱۳۸۲ مسئول اداره آن بوده است. از آن روزها و گره‌هایی که به واسطه این ستون گشوده شد، چنین می‌گوید: «به واسطه همین ستون محبوب، مردم تماس می‌گرفتند و مشکلات خود را مطرح می‌کردند. سعی ما هم بر آن بود تا این ستون پلی برای ارتباط مردم با دولت و نهادهای دولتی و غیردولتی باشد که با آن سروکار دارند. البته بجز تماس تلفنی، امکان دریافت پیامک، ایمیل و حتی پیام در شبکه‌های مجازی را هم داشتیم.»

از او در مورد نحوه راستی‌آزمایی پیام‌ها می‌پرسیم و ادامه می‌دهد: «افرادی که ارتباط می‌گرفتند نام، آدرس و شماره تماس خود را هم اعلام و خیلی از آنها در روزهای بعد هم درخواست‌شان را پیگیری می‌کردند. ما هم برای رسیدگی به مشکلات آنها با ارگان مربوطه نامه‌نگاری می‌کردیم. این نهادها و سازمان‌ها هم از آنجا که «روزنامه ایران» متولی این کار بود، همکاری خوبی می‌کردند.»

به گفته «حداد»، عمده مشکلات در حوزه‌های شهری، درمانی و مسائل مربوط به ایثارگران، جانبازان، دانشجویان و پژوهشگران بود. مخاطب بسیاری از پیام‌ها هم مسئولان بودند، اما با اهمیت‌تر از همه اینها، پیام تشکر و قدردانی مردم بود؛ شهروندی که درخواست آسفالت شدن کوچه محل زندگی‌اش را داشت، بعد از اینکه شهرداری به وضعیت کوچه آنها رسیدگی می‌کرد، خود را موظف می‌دانست که تماس بگیرد، تشکر کند و برای همه کسانی که مسبب این قضیه بودند، دعای خیر کند. حالا چند سالی است ستون «سلام ایران» از روزنامه حذف شده، اما همچنان هستند کسانی که از طریق مختلف پیگیر راه‌اندازی مجدد این ستون هستند. اینها قطعاً همان همراهان قدیمی هستند که دل‌شان به شنیده شدن صدای‌شان از تریبون «روزنامه ایران» خوش بود.